

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Politocal

سیاسی

نویسنده: موئیسای جی. آلجین
برگردان از: آمادور نویدی
۰۸ اپریل ۲۰۱۷

تروتسکیسم ضدانقلاب در خفاء (۳)

تروتسکیسم به چه معناست؟



موئیسای جی. آلجین



تروتسکی

تروتسکیسم چیست؟

بیش از ده سال قبل، زمانی که تروتسکی هنوز از امتیاز عضویت در حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لذت می برد، رفیق ستالین در تروتسکیسم «سه خصوصیت دید که آن را در تضاد آشتی ناپذیر با لنینیسم قرار داده بود».

قبل از ادامه ما باید درباره روش اعمال شده این‌جا در مورد توصیف تروتسکیسم جمله ای بگوئیم . این موضوع از نقطه نظر مارکسیسم - لنینیسم بحث می‌کند. فرض شده است که لنینیسم بدرستی خودش را در هر دو، در تئوری و در عمل انقلاب اثبات نموده است. از این‌رو مفروض شده است که مخالفت با لنینیسم اشتباه است.

با این‌حال، ما کاملاً به این واقعیت آگاهیم که ممکن‌ست فردی از خوانندگان با نقطه نظر لنینیستی موافق نباشد. چنین فردی ممکن‌ست که با انقلاب پرولتری، با دیکتاتوری پرولتاریا، و با سیستم سوسیالیستی مخالف باشد. چنین فردی ممکن‌ست که در حملات تروتسکی به لنینیسم آرمش یابد. اما بعد باید بپذیرد که او نه به دنبال تأیید تروتسکی، بلکه رد راه حل لنینیستی مشکل اجتماعی‌ست. با وجود چنین فردی از این نوع، چه کسی از جوی گل آلود اتهامات تروتسکی علیه شوروی و علیه کمونیست‌های کشورش بیرون کشیده می‌شود، ما هیچ استدلالی بر این موضع ها نداریم. تنها چیزی که از شخصی با این خصوصیات درخواست شده که انجام دهد، این‌ست که تصدیق نماید که او مُهمات تروتسکی را علیه تمام چیزهائی به کار می‌برد که مارکس، انگلس و لنین برایشان به پا خاستند و علیه هر چیزی که امروز رفیق ستالین، به همراه کمونیسم بین الملل برایش می‌ایستند.

این کاملاً مغایر با آن‌هائی‌ست که ادعا می‌کنند از انقلاب پرولتری حمایت می‌کنند، کسانی‌که ضرورت سازماندهی طبقه کارگر برای سرنگونی سرمایه داری و ایجاد قدرت شوروی را قبول دارند، و کسانی‌که لنین را به عنوان معمار اصلی و برجسته حزب بلشویک و رهبر تاریخی انقلاب پرولتری جهان می‌شناسند. استدلال زیر در نظر دارد نشان دهد که شما نمی‌توانید که (هم) خواهان انقلاب پرولتری باشید و (هم) خواهان تروتسکیسم باشید؛ و چنانچه شما استدلالات تروتسکی را قبول کنید، با لنینیسم وداع می‌کنید؛ و اقرار تروتسکی به پیروی از لنینیسم تنها پرده ساتری‌ست که در پشت آن ناباوری او به پرولتاریا و بی‌اعتمادی او به حزب کمونیست (بلشویک) و روش‌های مبارزاتش پنهان هستند؛ و تروتسکیسم در واقع سلاحی‌ست علیه انقلاب پرولتری، اما نوعی که به منظور فریب کارگران با گرایش رادیکال و با رنگ سُرخ نقاشی شده است.

آن‌هائی‌که به طور جدی خواهان سرنگونی سرمایه داری و تأسیس دیکتاتوری پرولتاریا، بر مبنای اصول پایه ریزی شده توسط انقلاب روسیه، در کشورهای سرمایه داری، از جمله در امریکا هستند، موافق پیشنهادات منطقی بنیادین زیر اند:

- (۱)- که ایجاد حزب (کمونیست) بلشویک اولین پیش‌شرط یک انقلاب موفقیت آمیزست؛
- (۲)- که تنها یک حزب بلشویک و نه چند حزب در هر کشوری می‌تواند وجود داشته باشد و وحدت و انسجام چنین حزبی، بنابران قدرت برجسته اش از اهمیت بسیار زیادی برخوردارست؛
- (۳)- که ستون فقران انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای شهری‌ست؛
- (۴)- حزب کمونیست تنها زمانی می‌تواند انقلاب پرولتری را به ثمر برساند که کل طبقه کارگر، یا دست‌کم اکثریت آن‌را در یک قیام مسلحانه علیه دولت سرمایه داری رهبری کند؛
- (۵)- که پیروزی انقلاب در مقیاس بزرگی به قدرت حزب و پرولتاریا در اتحاد خود با توده های بزرگ دیگر گروه‌ها و طبقات استثمار و سرکوب شده جمعیت و در درجه اول با دهقانان استثمار شده، طبقه متوسط پائین تر شهرها، روشن‌فکران تحت ستم، و غیره بستگی دارد؛
- (۶)- که اعتماد بین رهبری حزب و اعضای حزب یکی از شرایط اصلی موفقیت است و زمانی‌که عدم اعتماد رهبریت بلشویک بی‌پایه باشد، باعث تضعیف انقلاب می‌شود؛
- (۷)- که تنها یک کمونیست انترناسیونال می‌تواند وجود داشته باشد که احزاب کمونیست جهان را رهبری کند؛

(۸)- که از آنجائی که اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین دستاورد پرولتاریای جهان به عنوان سر مشق ساخت سوسیالیسم است، بنابراین، هیچ فردی نمی‌تواند ادعای انقلابی‌گری واقعی داشته باشد، اما با اتحاد جماهیر شوروی دشمنی کند. اما به تعریف ستالین از تروتسکیسم برگردیم. باید به یاد آوریم که ستالین زمانی آن تعریف را کرد که تروتسکیسم تازه شروع شده بود. رساله **تروتسکیسم یا لنینیسم**، که تعریف تروتسکیسم در آن موجود است، در نومبر سال ۱۹۲۴ منتشر شده بود. شگفت‌انگیز است که چگونه ستالین به وضوح، هردو معنا و توسعه آینده تروتسکیسم را زمانی کشف نمود که تروتسکی هنوز به عنوان یکی از قهرمانان بزرگ انقلاب جلوه می‌کرد.

«مختصات» تروتسکیسم، طبق نوشته رفیق ستالین، عبارتند از:

ابتداء، تروتسکیسم یک نظریه به اصطلاح «انقلاب مداوم» است، و نام دیگر این تئوری این است که این غیرممکن است که سوسیالیسم را در اتحاد جماهیر شوروی بنا کرد.

دوم، تروتسکیسم به معنای عدم وفاداری به حزب بلشویک، در وحدت و در خصومت خود نسبت به عناصر فرصت‌طلب است، که منجر به تئوری «همزیستی انقلابیون و فرصت‌طلبان، از گروه‌ها و گروهک‌های خودشان در درون حصار یک حزب واحد می‌شود».

سوم، تروتسکیسم به معنای سوء ظن به رهبران بلشویسم، تلاش جهت بی‌اعتبار ساختن و لکه دار کردن آن‌هاست. ستالین با درکی پیش‌گویانه به خطرات تروتسکیسم اشاره کرد.

«خطر جدید تروتسکیسم در چه جایی نهفته است؟ در این که تروتسکیسم، باتوجه به کل محتوای درونی اش، هر فرصتی دارد که به مرکز و مظهر وحدت عناصر غیرپرولتری تبدیل شود که تلاش می‌کند دیکتاتوری پرولتاریا را تضعیف نماید و از هم متلاشی کند.

«تروتسکیسم اکنون به منظور خلع (سلاح) بلشویسم، و تضعیف پایه‌های آن به پیش میرود.» (انقلاب اکتوبر، ص. ۹۴).

رفیق ستالین شش سال بعد (جون سال ۱۹۳۰)، تنها «مختصات» ذکر شده قبلی را بسط و گسترش داد و باز تعریف نمود. فعالیت‌های تروتسکیستی با توصیف خصوصیات اصلی که رفیق ستالین درباره تروتسکیسم ذکر نمود، بخوبی زبیده بود. چیزی که رفیق ستالین در سال ۱۹۲۴ به عنوان یک احتمال و روند پیش‌بینی نمود، به یک عمل ایجاد شده، تبدیل گشته بود.

رفیق ستالین در سال‌های ۱۹۳۰ پرسید که «ماهیت تروتسکیسم چیست؟»، و او برداشت زیر را تشخیص داد:

«ماهیت تروتسکیسم قبل از هر چیز، شامل، انکار احتمال ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، با نیروهای طبقه کارگر و دهقانان کشور ماست. این به چه معناست؟ این یعنی که اگر، در آینده نزدیک، در شکل انقلاب جهانی پیروزمند کمک نیاید، ما باید تسلیم بورژوازی شویم و جاده را برای جمهوری دمکراتیک بورژوازی باز و هموار کنیم. متعاقباً، ما با ماسک عبارت پردازی «انقلابی» درباره پیروزی انقلاب جهانی، انکار بورژوازی از امکان ساخت سوسیالیسم در کشورمان را داریم.

«ماهیت دوم تروتسکیسم شامل، نفی امکان کشاندن توده‌های اصلی دهقانان در ساخت سوسیالیسم در روستاهاست. این به چه معناست؟ این یعنی که طبقه کارگر جهت رهبری دهقانان پس از آن در وظیفه تغییر مسیر مزارع دهقانان منفرد به خطوط جمعی به اندازه کافی قوی نیست، و آن‌که، اگر در آینده نزدیک پیروزی انقلاب جهانی به کمک طبقه کارگر

نیاید، دهقانان سیستم قدیمی بورژوازی را برمی‌گردانند. متعاقباً، ما در اینجا نیز انکار بورژوازی از قدرت و فرصت‌های دیکتاتوری پرولتاریا برای رهبری دهقانان جهت نیل به سوسیالیسم را داریم، که با ماسک عبارات «انقلابی» درباره‌ی پیروزی انقلاب جهانی پوشیده شده است.

«ماهیت تروتسکیسم در نهایت، شامل انکار ضرورت انضباط فولادین در حزب، جهت به رسمیت شناختن آزادی گروه‌های جناحی (فرقه‌ئی) در حزب، برای به رسمیت شناختن ضرورت تشکیل حزب تروتسکیستی است. برای تروتسکیسم، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی نباید یک حزب متحد و تنها حزب میلیتانت باشد، اما باید مجموعه‌ای از گروه‌ها و جناح‌ها، هرکدام با سازمان مرکزی و مطبوعات خود و غیره باشد. و این به چه معناست؟ این یعنی که به دنبال آزادی گروه‌های سیاسی در حزب باید آزادی احزاب سیاسی در کشور بیاید، برای مثال، دموکراسی بورژوازی. متعاقباً، ما در اینجا آزادی گروه‌های جناحی را در حزب به رسمیت شناخته‌ایم، که مستقیماً منجر به تحمل احزاب سیاسی در کشور دیکتاتوری پرولتاریا می‌شویم، که همه با عبارات درباره «دموکراسی درون حزبی»، و «بهبود رژیم» در درون حزب پوشیده می‌شوند» (جوزف ستالین، *لنینیسم*، جلد دوم، نسخه‌ی انگلیسی، صص. ۳۹۱-۳۹۳).

انکار احتمال ساخت سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تنها می‌تواند کارگران شوروی را دل‌سرد کند، اعتماد آن‌ها را از بین ببرد، شوروشوق آن‌ها را تعدیل نماید. انکار امکان ساخت سوسیالیسم در روستاها تنها می‌تواند دهقانان متوسط و فقیر را دل‌سرد کند، مبارزه‌ی آن‌ها علیه کولاک‌ها را تقلیل دهد، اعتماد آن‌ها را در پرولتاریای شهری و حزب او به عنوان رهبران انقلاب و سازندگان سوسیالیسم تضعیف کند. انکار ضرورت انضباط فولادین در حزب تنها می‌تواند نقض انضباط را تشویق نماید و بنابراین قوی‌ترین سلاح دیکتاتوری پرولتاریا را ضعیف کند. به همین دلیل است که ستالین (در سال ۱۹۳۰) به گروه تروتسکیستی مارک «ضد پرولتری، ضدشوروی، ضدانقلابی زد، که با زحمت و دقت زیاد، بورژوازی را از امور حزب ما آگاه می‌سازد.» (همانجا، ص. ۳۹۱).

تروتسکیسم امروزه دیگر خودش را در «اطلاع‌رسانی» به بورژوازی محدود نمی‌کند. امروزه تروتسکیسم مرکز و مظهر وحدت دشمنان اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب پرولتری در کشورهای سرمایه‌داری، و کمونیست بین‌الملل است. تروتسکیسم نه تنها تلاش می‌کند که دیکتاتوری پرولتاریا را در اتحاد جماهیر شوروی متلاشی کند، بلکه همچنین نیروهائی را که در سراسر جهان برای دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه می‌کنند، تجزیه و متلاشی سازد.

ما از «مختصات» تروتسکیسم به سبک برشمرده توسط ستالین پیروی می‌کنیم. ما باید با تعداد فصول اضافی با کردارها، رفتارها و سوء استفاده‌های تروتسکیست‌ها در هردو آمریکا و خارج از کشور مبارزه نماییم.

درباره نویسنده:

ألجین، مویسای جی. (۱۸۷۸-۱۹۳۹)، در سال ۱۸۷۸ در شهرک یهودی نشین (شتلت) نزدیک کنیف، اکرین به دنیا آمد. پس از حضور در مدرسه سنتی یهودیان (چدر) وارد دانشگاه کنیف شد، جایی که کار خود را به عنوان یک انقلابی آغاز کرد. در سال ۱۹۰۱، به عنوان رئیس کمیته مرکزی دانشجویان انتخاب شد، در حالی که همچنین عضو گروه انقلابی فیهیت بود. در اپریل سال ۱۹۰۳ رژیم تزاری به دلیل نقش او در تشکیل گروه‌های دفاع از خود یهودی دستور دستگیری او را صادر کرد، که در آن زمان مجبور به مهاجرت به وینا، پولند شد.

در ویلنا او عضو بوند یهودی بود، و برای فعالیت‌هایش دستگیر شد. در طول انقلاب سال ۱۹۰۵ در وین بود، و تمام اعلامیه‌های صادر شده توسط بوند را در آن دوره تألیف و تصنیف می‌کرد.

از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۰ در هیلدربرگ تحصیل کرد، و در المان تا زمانی بود که جنگ جهانی اول شروع شد. او قادر به بازگشت به روسیه نبود، و در سال ۱۹۱۵، به امریکا مهاجرت کرد، جایی که بلافاصله به روزنامه روزانه سوسیالیست «به پیش» کمک نمود.

در سال ۱۹۱۷ نویسنده اولین کتاب درباره انقلاب روسیه (روح انقلاب روسیه) بود و زمانی که فدراسیون سوسیالیستی یهودیان در سال ۱۹۲۱ انشعاب کرد، او رابطه اش را با «به پیش» قطع کرد و یکی از اعضای بنیان‌گذار حزب کارگران شد. او یکی از پیش‌تازان سازماندهی در بخش یهودیان حزب، و بنیان‌گذار روزنامه کمونیست روزانه ئیدیش «صبح فریبهیت»، و تا هنگام مرگ ویرایش‌گر آن بود. او همچنین برای سال‌ها یکی از اعضای کمیته ملی حزب کمونیست امریکا بود.

گذشته از مقالات بی‌شمار روزنامه و سرمقالات، او کتاب‌های بسیاری نوشت، و مسؤول ترجمه چندین جلد کتاب از مجموعه آثار لنین به انگلیسی، همچنین مترجم کتاب جنگ دهقانی انگلس در المان، ده روزی که دنیا را لرزان از جان رید، و آوای وحش از جک لندن به ئیدیش است. او در ۲۲ نومبر، ۱۹۳۹ درگذشت. دهه‌ها پس از مرگش، و تا زمانی که روزنامه در سال ۱۹۸۸ بسته شد، عکس او در سرصفحه «فریبهیت» چاپ می‌شد.

<https://www.marxists.org/glossary/people/o/l.htm#olgin-moissaye>

برگردانده شده از:

Trotskyism Counter-Revolution in Disguise, by Moissaye J. Olgin

<https://www.marxists.org/archive/olgin/1935/trotskyism/02.htm>